



بقلم آقای حسین تقی اعزاز

اوضاع ایران در قرن نوزدهم

۶

در سال ۱۲۴۱ هجری قمری و ۱۸۲۶ مسیحی اختلافات سرحدی بین ایران و روس شدت یافت و بطوریکه در بالا یادشده و سها ادعائی نسبت بمحال اطراف ایروان نمودند و چون نمایندگان آنها بر خلاف ایرانیان فاقد اطلاعات محلی بودند با نمایندگان ایران مخالفت میورزیدند تا آنکه در نتیجه با اعزام وقایع نگار به تفلیس و عدم موفقیت او در مذاکرات، جنگ دوم ایران و روس آغاز و منجر بشکست ایران گردید. نتیجه این جنگ این شد که دولت ایران محال حاصلخیز قره باغ و شوره گل و قسمتی از صحرای مغان و جزایر آشورآده و حاکمیت بحری دریای خزر را از دست داد. نفوذ و سیاست ایران از قفقاز به قطع گردید. ضعف بر دولت ایران بقدری مستولی شده بود که در موقع انعقاد جلسات صلح ترکمانچای ایرانیان بناچار هر نوع معامله و معاهده‌ای که دلخواه روسیان بود قبول داشتند. بهمین جهت برای پرداخت غرامات جنگی و تخلیه ایران در همان تاریخ انعقاد عهد نامه ترکمانچای قرار دادی بسیار سخت و غیر قابل تحمل در خصوص پرداخت کوروات و تخلیه ایران که بامضای میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه رسیده بود به پاسکوویچ سپرده شد. بموجب این قرارداد دولت فتحعلیشاه ناچار میگشت که با سرعت اوقات بتمهد خود رفتار کند ولی طرز تخلیه ایران و پرداخت کوروات و آخرین قسط آن با اقدامات و مساعی اولیاء امور ایران بخصوص میرزا ابوالقاسم قائم مقام برخلاف تمهد نامه تهدید آمیز مزبور بمسالمت انجام پذیرفت. تمهدنامه بقرار زیر است:

در باب کوروات و تخلیه سرحدات

بسم الله الرحمن الرحيم

نظر بما حصل فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه اعلیحضرت پادشاه

فصل اول

ممالک ایران تمهد میکند که از تاریخ اختتام عهد نامه مزبوره در

مدت دو ماهه حصه طالش را که بالا استحقاق متعلق بدولت روسیه است و سرحداتان بصحت و درستی بموجب فصل چهارم عهد نامه عمده معین شده است و بعلت افعال خصمانه صادره قبل از جنگ در این عهد نامه بسعادت با تنها میرساند بتصرف عسکر ایران در آمده است از قشون خود تخلیه کرده بمأمورین روس که بهمین جهت بآن مکانها فرستاده خواهد شد تسلیم

نمایند تا زمان تفویض ولایت مذکوره بوکلای روسیه دولت ایران بدقت متوجه خواهد شد که هیچگونه ظلمی و تعدی باهالی آنولایت و اموال ایشان معمول نباشد و حکام ولایت از هرگونه خلاف ضابطه و نظام که در این مدت آنجا اتفاق بیفتد از طرف دولت مؤاخذ خواهد بود

نظر بماحصل فصل ششم عهدنامه عمده امروزه که بموجب آن اعلیحضرت
فصل دوم

پادشاه ممالک ایران بصراحت متمهد شده است که باعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه بموض خسارت ده کرور تومان رایج که عبارتست از بیست مایون مناط سفیدی روس بدهد مابین دولتین علیتین معاهدتین مقرر گشته است که سه کرور تومان از آن در مدت هشت روز که بعد از اختتام این عهدنامه مذکوره انقضا می یابد بوکلای مختار روسیه یا بگماشتگان ایشان داده شود و دو کرور تومان نیز پانزده روز دیرتر وصول یابد و سه کرور هم در غره شهر ابریل سنه ۱۸۳۰ مسیحیه که عبارتست از بیست و ششم شهر رمضان سنه ۱۲۴۳ هجری ایصال کرده و دو کرور باقی هم که تمه ده کرور تومان است که دولت ایران بدولت روسیه متمهد ایصال گشته در غره شهر بنوارسنه ۱۸۳۰ که عبارتست از بیست و دوم جدی سنه ۱۲۴۵

به نیت آنکه اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جهت ایصال
فصل سوم

صحیح و کامل وجه خسارت مذکوره رهنی بدهند مابین دو لتین علیتین معاهدتین قرار داد شده است که تا ایصال کل هشت کرور تومان تمامی ولایات آذربایجان در تصرف بیواسطه عساکر روسیه مانده اداره انتظام آن بالانحصار برای منافع روسیه باشد بنوعیکه حکومت مستعاری که الحال در تبریز وضع شده است در اجرای تسلط و رفتار خود که برعایت و حفظ ضابطه و آسایش درونی متعلق و با مضای وسائل مخصوصه جهت تدارک ضروریات عساکریکه باید علی سبیل العاریه در ولایت مذکوره مقیم باشند مربوط است امتداد یابد. اگر خدای نکرده مبلغ مزبور فوق که هشت کرور تومان است تا روز پانزدهم ماه اغوست سنه ۱۸۲۸ که عبارتست از پانزدهم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۴۴ هجری بتمامه تسلیم نشود معلوم برده و خواهد بود که تمام ولایات آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مطلقاً استحقاق خواهد داشت که آنرا ضمیمه ملک خود سازد یا در زیر حمایت بیواسطه و بالا نفرد جانشینهای خود سر که انتقال آنها بارت باشد در آن معین کنند و دریاب مبلغ هائی که بروفق این قرار داد در آنوقت بدولت روس وصول یافته باشد ایضاً معلوم است که همه بیمطالبه و استرداد برای نفع او میماند اما در اینصورت دولت ایران نزد دولت روس بالمره از تمهدات تقدیه بری الذمه خواهد بود. اگر مقرر است که همینکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران دو کرور از این سه کرور که بعد از پنج کرور تومان وجه خسارت مشروطه میبایست داده شود تسلیم کرده شود همه آذربایجان انتهای مرتبه در مدت یکماه از عساکر روسیه تخلیه خواهد شد و باختیار ایرانیان واگذار خواهد گردید اما قلمه و ولایت خوی مانند رهن ایصال کرور سیم از کرورات مذکور که باید بالتمام در پانزدهم ماه

اگوست سنه ۱۸۲۸ مسیحیه برسد در اقتدار عساکر روسیه خواهد ماند. جنرال الی که لشکر روسیه در اختیار او خواهد بود در باب تخلیه ورد همه یا جزو آذربایجان موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بدولت امپراطور روسیه در موعده مهوده هشت کرور یا همین هفت کرور تومان را داده باشد پیش از وقت دستور العمل لازمه در دست خواهد داشت و حکومت مستعار تبریز در آنوقت اختیار را که دارد از خود سلب کرده و کلای ایران که برای اینکار از طرف اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مامور خواهند بود فوراً بتصرف آن خواهند پرداخت لکن بدون اینکه ضابطه و آسایش خلق مشوش تواند شد در شرایط و تعهداتی که در عهد نامه مصالحه الحال و در این فصل زایده مقرر گشته است تغییری حاصل تواند کرد .

عساکر روسیه که بنا بر فصل سابق چند وقته آذربایجان را در تصرف خواهند داشت چون اختیار تام و تمام که موافق صواب دید فرمان فرمای عساکر روسیه در هر جای این مملکت اقامت نماید لهذا قرارداد شد که عساکر ایران که هنوز در بعضی اماکن آذربایجان منتشرند بلافاصله بیرون بروند و خود را بولایت داخله ایران بکشند .

فصل چهارم

برای رفع اموری که موجب اختلال ضابطه و نظام عسکریه میشود و حفظ آن مابین عساکر جانبین در مدت تصرف چند وقته ولایات که در فصل سابق قرارداد شده بقایت لازم است مقرر شد که در این مدت اقامت همه فراری لشکر روس که بجانب ایرانیان بگذرد باید که بواسطه رؤسای ایران گرفته شده فی الفور بنزدیکترین رؤسای عساکر روس تسلیم شود و همچنین همه فراری لشکر ایران که بجانب روسیه بگذرد بلافاصله گرفته شده بنزدیکترین حاکم ایران تسلیم میشود .

فصل پنجم

همان ساعت بعد از مبادله تصدیق نامه از جانبین بمباشرها برای تشخیص خط سرحدی که بواسطه فصل چهارم عهد نامه عمده امروز شرط شده نامزد خواهد شد و کذاک برای ترتیب نقشه صحیح از آن که یک نسخه بمهر مباشرین رسیده به تصحیح فرمان فرمای گرجستان و نسخه دیگر در کمال مشابعت به تصحیح نواب مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا عرض خواهد شد و بعد از آن این نقشه مبادله شده مستوتق و در مستقبل دست آویز و سند خواهد بود

فصل ششم

این فصل جداگانه که برای تکمیل عهد نامه عمده امروزه تشخیص یافته و مشتمل بر دو نسخه است همانقدر قوه و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظاً بلفظ در آنجا مندرج است. در هر حال ما و کلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران آنها را دستخط گذارده مهر کردیم. تحریر در قریه ترکمانچای بتاريخ دهم فورال ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارتست از پنجم شعبان ۱۲۴۳ هجری بملاحظه نواب نایب السلطنه بامضای وزیر دول خارج ایران میرزا ابوالحسن خان رسید .

در اینجا خاطر نشان میشود که پس از پایان جنگ شاهزاده عباس میرزا از نظر استیصال و جلوگیری از هجوم مجدد قوای روس شرایط سخت و شوم ژنرال پاسکویچ را پذیرفت و

بطوری که قبلاً متذکر گردید در دهخوارقان بملاقات اورفت و نتیجه چنان شد که فتحعلیشاه میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه را واسطه گفتگو نموده بآذربایجان اعزام داشت تا شاید بتواند غرامت جنک را که بیزان ده کرور تومان بود به پنج کرور تقلیل دهد ولی چون فشار پاسکویچ بمنظور دریافت ده کرور هر دم شدت مییافت نمایندگان ایران که عبارت بودند از وزیر خارجه و منوچهرخان و میرزا ابوالقاسم قائم مقام دربار کم کردن غرامات اجباراً بسفیر انگلیس متوسل شدند. تمسون مشی سفارت انگلیس در صفحه ۲۷ مجله آزیاتیک چنین گزارش میدهد: « بر اثر این پیشامد ها و تهی شدن خزانه ایران فتحعلی شاه مجبور شد که از انگلستان کمک مالی بخواهد و از معاهده منعقدہ با آن دولت در ۱۸۱۴ استفاده نماید » سرجان مکدنالد نتوانست در این موضوع اقدام مؤثری بعمل آورد. تمسون در گزارش خود مینویسد یکی از اقدامات این بود که « سفیر انگلیس از تصمیم ارامنه تبریز که مدتی بود مالیات نپرداخته بودند و قصد مهاجرت به گرجستان داشتند جلوگیری نمود و از پرداخت مالیات آنها را معاف داشتند ».

آخر الامر طبق مذاکراتی که در خصوص پرداخت غرامات و تخلیه خاک ایران باحضور منوچهرخان و قائم مقام بعمل آمد مقرر شد که با تحویل سه کرور عقد مصالحه منعقد گردد و پس از تحویل سه کرور دیگر تبریز و قراجه داغ و مشکین و خلخال و محال ثلاثه سراب و گرم رود و هشت رود و مراغه تخلیه شود. ارومیه و خوی در رهن دو کرور بماند و بوصول کرور هشتم ارومیه و کرور هشتم خوی تخلیه گردد. دو کرور باقی مانده از ده کرور تمسک دولتی سپرده شود. مدتی مطالبه آن موقوف و بعد عندالمطالبه و بدون عذر کارسازی شود.

در تاریخ نوجهانگیر میرزا مینویسد: « پس از آنکه عهدنامه ترکمانچای بامضای میرزا ابوالحسن خان وزیر خارجه و تصدیق و مهر عباس میرزا رسید پاسکویچ نیز آنرا امضاء و مهر نمود. سپس سه روز و سه شب در قریه ترکمانچای جشن گرفته شلیک توپ و آتش بازی نمودند ». در صفحه ۱۱۱ آن تاریخ مینویسد که « قوای روس ایران را تخلیه نمود و ارومیه و خوی در رهن ماند ». ارومیه و خوی در رهن کرور مانده بود و شاه منظور داشت که پرداخت این دو کرور را خود نایب السلطنه بعهده گیرد ولی چون از پریشانی نایب السلطنه مستحضر شد و جوهر مزبور را خود بتوسط شاهزاده ملک قاسم میرزا ۱ و محمد طاهر خان قزوینی ارسال داشت و بتحویلداران روسیه پرداخت و آنگاه ارومیه و خوی از رهن خارج گردید. در خصوص پرداخت کرور نهم مقرر شد که شخص نایب السلطنه عهده دار پرداخت آن شود. بهمین جهت از جمیع اولاد و خدمتگزاران و لشکریان استمداد نمود که از شش ماه حقوق دیوایی خود صرف نظر کنند. بدین ترتیب آنچه اشیاء ذقیمت و طلا آلات داشتند قیمت نموده به تحویلداران روس واگذار نمودند. در صفحه ۱۱۴ تاریخ نوهچنان مینویسد: « باتمام این جدیت باز دو سست هزار تومان کسر آوردند. این مبلغ را باولیا روس نپرداختند. مبلغ مزبور

را بموجب قرارداد ملکم سفیر اسبق انگلیس که مقرر شده بود تنخواهی بمبلغ دوست هزار تومان سالیانه بایران بدهند انگلیسیان در این موقع عهده دار پرداخت آن گردیدند. « پس از پایان کار پسکوویچ رهسپار گرجستان شد و صورت عهد نامه بتوسط نماینده مخصوص روسیه و پنج تن همراهان وی و میرزا ابوالحسن خان در دارالخلافه بنظر شاه رسید. بالنتیجه تخلیه آذربایجان برخلاف تعهدیکه میرزا ابوالحسن خان سپرد و قبلا ملاحظه گردید بسیعی و کوشش عباس میرزا وقائم مقام پیش از يك ماه بطول نینجامید.

بنی کولوپو ۱ در کتاب خود تحت عنوان «آ.س. گریباندو ۲ در گرجستان و ایران» مینویسد: «گریباندو با سمت نمایندگی مختار ایران در تاریخ ۱۶ کتبر ۱۸۲۸ (برابرمه سوم از سال ۱۲۴۴ قمری) از ایروان وارد شهر تبریز شد. روز دویم ملاقاتی از شاهزاده عباس میرزا بعمل آورد. قراردادی را که بصفحه نیکلای اول رسیده بود بشاهزاده سپرد. یکی از شرایط قرار داد مربوط پرداخت ده کروور تومان معادل با بیست میلیون منات نقره آن زمان بود. شش کروور آن در روز امضاء قرارداد و چند روز بعد از جانب مأمورین ایران پرداخت شد و بغوریت بوسیله کاروان مخصوص پاسکوویچ بشهر تفلیس ارسال گردید.»

«بریمر ۳» که یکی از اعضای کمیسیون تحویل غرامات بود تفصیل این عقد تاریخی را در یاد داشت های خود چنین نقل میکند: «شمش های طلای دریافتی بطول پنج ورشوک و عرض يك ورشوک ۴ در انبانهای سر بهمر بود. ارزشش های مزبور بر پایه تومان ایران قرار گرفته که هیار آن کم بوده است. پس از تعیین وزن شمشها و ارزش هر صد تومان به تناسب منات روس شروع به تحویل گردید. در تالار محل پرداخت غرامات میز بسیار طولیلی قرار داده بودند. تحویلدار ایرانی در مقابل ترازو بر روی زمین نشسته. بود از طرف چپ انبانهها را در يك کفه ترازو بر روی هم نهاده و در کبه راست مقداری وزنه برای مقیاس مشاهده میشد. یکی از ایرانیان انبانهها را بر روی میز میگذاشت و دیگری با کندن مهردهانه آن ها را مهر میکرد. منشی مخصوصی وزن طلای تحویل گرفته و تعداد انبانهها را یاد داشت مینمود آنگاه در جعبه های موجوده قرار میداد.» جای دیگر مینویسد: «هنگام توقف گریبایدو در تبریز کروور هقتم با قساط پرداخته شد و در همان موقع منوچهر خان که از طرف دولت ایران مأموریت پرداخت غرامات را داشت بدولت روس اطلاع داد که بقیه وجوه را باید از خود عباس میرزا دریافت نمایند. بدین ترتیب پس از وصول کروور هقتم ارومیه از رهن خارج گردید و قسمت مهم کروور هقتم را که عبارت از سیصد هزار تومان بوده است دولت روس از شخص عباس میرزا دریافت نمود. وزارت خارجه روس برای دریافت دوست هزار تومان باقی مانده اقدامات مجدداً ای بعمل می آورد ولی برای پرداخت این وجه

۱- Yenikolopov ۲ - آزیاتیک ژورنال مینویسد: Gryboydoff ولی A. C. Griboyedov
گریبایدو خواهر زاده پاسکوویچ حا کم گرجستان و فرمانده قوای روس بود. ۳- Y. Brimer

۴- يك ورشوک $\frac{1}{4}$ ۴ سانتیمتر است



تصویر تحویل غرامات در تبریز از کتاب بنی کولوبو

ایران دچار مشکلات عظیمی گردید که حتی خود گریبایدو ناهه ای به پطرز زبورگ نوشت مبنی بر اینکه ایران بی نهایت فقیر و متحمل مالیاتهای سنگین گردیده است « در صفحه ۱۱۳ همین کتاب مینویسد: «گریبایدو نه برای خود و نه برای وزارت امور خارجه حقیقت اوضاع و احوال ایران را مخفی نمی داشت زیرا دولت ایران برای پرداخت غرامت کرور هشتم کوشش فوق العاده بخرج میداد. گریبایدو در گزارشات خود به پطرز- بورك اشعار میداشت که عباس میرزا تمام اشیاء و جواهرات کریمه خود را بعنوان وثیقه تحویل ما داده است و زنان او حتی تکمه های جواهری لباس خود را بسا سپرده اند. در نظر کلیه افراد من شخصی تهدید کننده معرفی شده ام و مرا سخت دل نامیده اند. جواب قطعی من تأثیر عمیقی در اینجا بخشیده است و مبلغ پنجاه هزار تومان بدون تأخیر بخوی فرستاده میشود و برای تکمیل غرامت مزبور عباس میرزا امر صادر کرد که کلیه چراغدان های طلا و پاره ای از اشیاء حرم تبدیل بشمش گردد و حال آنکه فقط دستمزد تبدیل اموال مذکوره به شمش معادل قیمت اصلی آن میباشد و همین امر دلیل بر بی پولی شاه میباشد». در اینجا خاطر نشان میشود هنگامی که قلعه اردبیل بتوسط ژنرال سوختلین اشغال شده بود چون گریبایدو کتب خطی محفوظه در اردبیل را ذیقیمت تشخیص داد و از طرفی پرفسور سکوستنکی ۱ مسایل بود کتب مزبور از اردبیل به پطرز زبورگ ارسال شود به ژنرال

سوختن دستور داده شد که این امر را باجراه گذارد. در ۲۵ ژانویه ۱۸۲۸ ژنرال نامبرده روحانیون اردبیل را دعوت نموده اظهار داشت که ژنرال پاسکویچ با نظر گریبایدو و سنکوسکی اظهار میل نموده است که کتب مزبور با تحویل گردد. روحانیون پاره‌ای مخارج مطالبه می‌کردند که بدون تأخیر پرداخت شد. و در اوایل فوریه ۱۸۲۸ کلیه کتب نفیسه تحت حفاظت یکمده پیاده نظام روسی بشهر تفلیس فرستاده شد.

ژنرال گریبایدو وزیر مختار روس و واقعه قتل او در تهران
گریبایدو پس از شرکت در مصالحه و توقف یکماه در تبریز ملاقاتی از عباس میرزا بعمل آورد قسولی در تبریز تعیین کرد و بهمراهی همپانداران ایرانی به تهران حرکت نمود. در پایتخت مصالحه نامه را بشاه داد. و سفارتخانه خود را در باغ ایلچی دایر نمود.

هدایاتی از قبیل چهل چراغ و اشیائی از سنگ یشم و غیره از جانب امپراطوری برای شاه آورده بود. این اولین وزیر مختار اعزامی روسیه بایران بیشتر دوران زندگانی خود را مصروف بمشاغل غیر سیاسی از قبیل مطالعات ادبی و شعر و شاعری مینمود بهمین جهت پس از احراز مقامات سیاسی با آنکه شخصی آزادیخواه بشمار میرفت برخلاف رویه سیاستمداری غالباً تند خوئی و بلند پروازی مینمود و اصرار میورزید که طبق ماده ۱۳ مصالحه نامه استرداد و آزاد شدن اسرای جدید و قدیم روس باید هرچه زودتر صورت عمل بخود گیرد و باستناد همین ماده و تحریک بعضی از ارامنه مغرض بخصوص یکی از خواجه سرایان در باری موسوم به آغا یعقوب خواجه که خود از ارامنه و اسرای قدیم گرجستان بود بدون مورد بهانه ای بدست آورد تا هرچه زودتر آنچه زن گرجستانی از زمان کریم خان و آغا محمد خان بایران آمده و بیشتر آنها بعقد و نکاح ایرانیان و حتی رجال در آمده بودند ایران را ترک گویند و غالباً کارکنان خود را که اکثر آنها روسی و ارمنی بودند خودسرانه بداخل خانه‌های مردم میفرستاد تازنی گرجستانی بیابند برای معاودت آنان بگرجستان مصلحت اندیشی کند. با این وصف میتوان حدس زد یکی از علل اقدامات مصرانه وی بواسطه احساسات شخصی و ملیت زن گرجستانی او شاهزاده خانم چاو چارادزه ۲ بوده است و بس اتفاق افتاد که چند نفر از این قبیل زنها را در سفارتخانه بتوقیف در آورد.

این حرکات ناپسند و خشن روز بروز بر اثر ضعف نفس و فرومایگی شاه در برابر روسیه فاتح شدت مییافت تا آنکه وزیر مختار بتحریک آغا یعقوب خواجه قزاقان وعده‌ای از ارامنه را بخانه الله یارخان آصف الدوله واقع در اراک فرستاد. مامورین مزبور عتفاً و جبراً زن گرجستانی را که سالها در نزد آصف الدوله زندگانی مینمود بسفارتخانه بردند و از پذیرفتن خویشان او خودداری نمودند. این پیش آمد موجب خشم شدید آصف الدوله گردید بهمین جهت

۱ - در صفحه ۳۷۴ تاریخ لومی دو بو مینویسد: آغا یعقوب که از خواجه سرایان بود بیش از بیست سال قبل از واقعه سفارتخانه مسلمان شده بود و پس از بودن چهل الی پنجاه هزار تومان از شاه بسفارتخانه راه یافته بود.

مجتهدین و علمار ادینه در این باب متظلم گردید. عده ای از مسلمانان در منزل حاجی میرزا مسیح گرد آمده شکایت از عدم اعتنای شاه نسبت باین اعمال نمودند. حاجی میرزا مسیح بوزیر مختار مراجعه نمود ولی جوابهای زنده ای شنید تا آنکه بر اثر آشفتگی و شدت این گفتگوها جمعی مردم از زن و مرد با چوب و اسلحه در مسجد جامع مجتمع گشتند و بالتسبیح بجانب سفارتخانه هجوم آورده آنجا را محاصره کردند و به تیراندازی مشغول گردیدند^۱ اولین تیری که خالی شد از جانب یکی از تفنگچیان سفارتخانه بود و جوانی چهارده ساله را مقتول ساخت. متعاقب آن کشمکش شدت یافت. مردم وارد سفارتخانه شدند و پس از زد و خورد شدید گریباید و را که از خود دفاع میکرد مقتول ساختند^۲. قریب سی و هفت تن از قزاقان و اعضای سفارتخانه نیز قطعه قطعه گردیدند. یکی از نواب سفارتخانه موسوم به ملسوف از مهلکه نجات یافت. در نسخ التواریخ چنین آمده است: «آصف الدوله بی سخن آن کنیز کانرا بسرای گریبایدوف فرستاد و ایشان درسرای او بتلاوت قرآن مشغول شدند و علمای اسلام را از حال خویش اعلام دادند. نزدیک صدهزار مرد و زن فریادکنان طریق خانه گریبایدوف پیش گرفتند. گریبایدوف چون کار بدینگونه دید سخت هراسناک شد و آندو کنیزک گریه را باتفاق آغا یعقوب از خانه بیرون فرستاد. مسلمانان بیکبار بر خر و شیدند و نخست آغا یعقوب را بر درسرای ایلچی با خنجر و شمشیر پاره پاره ساختند و سراو را جدا کردند و دوزن گرجی را بتوسط علماء و روسای شورشیان بخانه خود روانه ساختند».

اجساد گریبایدو و مقتولین را بکلیسای آرامنه نزدیک میدان کاه فروشان حمل و در حیات کلیسیا مدفون نمودند و آنجا را بنام قبرستان برادران نامیدند. چندی بعد مامورینی برای نبش قبر آمدند و از روی علائم مخصوصی که در سروصورت گریبایدو و هنوز نمایان بود قطعات نمش او را شناخته به تقطیس انتقال دادند. در آنجا در کوه مقدس داوید مدفون ساختند ضمناً ملیکو^۳ یکی از شاهزادگان ارمنی گرجستان را که او نیز در واقعه سفارتخانه بقتل رسیده بود و جزء اجساد مدفون شده یافته بودند باوچ کلیسا حمل نمودند.

در صفحه ۴۵ تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا تالیف آقای نجفقلی حسام معزی مینویسد: «الکساندر گریبایدف از نجیب زادگان بود که در کودکی بارو پاره و تحضیلات عالی و افکار آزادی طلبی وی کمک نموده و با حکومت تزاری نمیتوانست بسازد و هنر نویسندگی و تأثر نویسی وی را مورد بی مهری دربار امپراطوری قرار داد. برای دور نگاهداشتن مشار الیه از کشور روسیه باین عنوان در حقیقت تبعید شد. باتمام مراتب فضلی و هنر نویسندگی و افکار عالی و آزادیخواهانه از خصائص دیپلماتی عاری بود و دستخوش احساسات شد».

در ۱۳ شعبان خبر قتل گریبایدو در دارالخلافه تهران بدار السلطنه تبریز رسید. عباس

۱- در صفحه ۴۷۳ تاریخ ایران تالیف لونی دو بو (از تاریخ عالم) مینویسد جمعیتی که بسنارتخانه هجوم آورد سی هزار تن بودند و سر بازان دوانتی که بفرماندهی یکی از پسران شاه برای محافظت آنجا آمده بودند دو هزار نفر بودند ۲- جای دیگر مینویسد گریبایدو را بضراب سنگی که بشقیقه

میرزا، میرزا مسعود را مامور بطرزبورک نمود که قبلاً حقیقت این حادثه را پیاسکویچ رسانده عدم مداخله و تاسف دولت ایران را بآلبانیاء روس آشکار سازد.

در این موقع نامه هائی رد و بدل گردید که در تواریخ و کتب مختلف از قبیل مخزن - الانشاء و تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ تالیف آقای محمود محمود موجود است. مکتوباتی از جانب عباس میرزا وقتعلیشاه بعنوان پاسکویچ و نیکلامپراطور روس ارسال شد و جوابهای رسید. با آنکه جوابها مودت آمیز بنظر میرسد لکن آنها قدری گله آمیز است و مشی سیاسی دولت روس را نسبت بدولت ایران و سایر همسایگان ایران بخوبی آشکار میساخت چه دولت روس برای استمالت دولت ایران و از بین بردن نفوذ انگلیس در شرق از در دوستی در آمده بود. در بار ایران هم چون مرعوب شده بود ضمناً از دولت انگلیس هم چندان مساعدتی ندیده بود ناچار متوجه دولت روس گشت و مذاکرات سیاسی بین طرفین آغاز شد و چون روسیه خواهان مساعدت با ایران شد و میخواست دست دولت را در بعضی از نواحی و سرزمین ها چون افغانستان و بین النهرین و مستعمرات عثمانی باز گذارد نامه های فوق الذکر رد و بدل گردید. از مفاد یکی از نامه هائی که رو نوشت آن قبلاً نزد میرزا علی اصغر خان اتابک بوده و اکنون در کتابخانه شخصی نگارنده این سطور موجود است چنین استنباط میشود که دولت ایران چه بوسیله فرستاده خود امیر نظام مکرری و چه بوسیله مامور سیاسی روس کرداشف ضمن پیغامهای مکرر خواهش هائی از دولت روس نموده که مانع از تصرف تسخیر ولایات وان و بغداد و بصره و غیره نشوند با بجز نحوی که برای دولت ایران امکان پذیر باشد و ولایات مزبور را بتصرف خود در آورد. ترجمه این نامه که از جانب نیکلای اول بشاهزاده عباس میرزا نوشته شده بشرح ذیل است:

«دوست عزیز و لیبهد دولت ایران شاهزاده عباس میرزا.

باهمه التفات و مهربانی نسبت بنواب والا و استدامت دوستی که همیشه با علیحضرت شاهی والا تاجدار شما داشتیم نمی توانیم از شما پوشیده داریم که غائله سانجه در تهران که وزیر مختار روسیه در آن با اکثر زیردستان خود عرصه تلف گشت فوق العاده مارا مکدرو مصمم ساخت بر اینکه وسایلی را که از حضرت ذوالجلال و دیعت داریم بکار بریم تا انتقام خونی را که بی گناه بخلاف عادت جمیع طوایف ریخته شده است بکشیم لکن عرایض فرمانفرمای گرجستان جنرال گراف پاسکویچ ایروانی را که دولت ایران را شریک این ظلم شرارت آمیز نمیداند ما را از عزیمت خود توقف دارد و اظهار تاسف بی ریای شما را در باب این غائله عظمی که دلیل اذات و اختصاص شما نسبت بدولت روسیه بود باعث خوشنودی ما گشت و از محبتی که نسبت بشما و بهمه خاندان شما دارم قلباً همین تاسف را میخوریم که ایرانیان هنوز در چنان بی بصارتی و جهالت هستند که امثال اینگونه از تکالیبات از ایشان ممکن الوقوع است. احتمال مخافت برای اوضاع مخصوص شما و خودشاهانه کمتر از این قضیه دل ما را بدردمی آورد.

برای رفع همه آنچه باعث ضرر شما تواند بود وهم برای اعانت به شما در هر باب

دانستیم که جنرال مایور عساگر امپراطوری ما کنیاز دولقاروکی^۱ را که شرف ایصال این نامه را خواهد یافت به نزد شما ارسال داریم و او مامور است که در تبریز در حضور شما هر قدر که بشما لازم و خوش آیند است بماند و باعث انتخاب و امتیاز جنرال مذکور برای این کار از طرف ما آنست که او داخل مکالمات از برای مصالحه در میان دولتین روس و ایران معروف و مشمول التفات شما بود و باین سبب امید خوش حاصل است که مشارالیه با کردار خود بکار استحکام حسن موافقت این دولت هم جوار خواهد بود.

میرزا مسعود را که بتفلیس فرستاده اید مقرر داشتیم که بدر بار همایون ماراه بدهند. عرایض فرمانبرمای گرجستان ما را اطمینان میدهد که شما خود برای آمدن با نیولایت آماده هستید لکن نظر باطلاع از فکرهایی که الحال آسایش دولت ایران را اختلال میدهد و بنا بر اهمیاتی که در باب خوبی این دولت عهده دارد خود شما داریم بودن شما در تبریز است برای رفع شورش و رفع دسایس واجب می شماریم فلینذا صلاح میدانیم که از سرحد خود دور نشوید و برای تلافی کسر شأن دولت روسیه کافی میدانیم اگر شاه مقصرین را تنبیه کرده برای عذر خواهی آشکار یکی را از فرزندان خود و یا از فرزندان شما با یکی از اشخاص معتبر و معتد خود بنزد ما روانه کند. اینگونه اراده خود را بشما اظهار نموده تا خوشنودی کمال رضا مندی پادشاهانه خود را اعلام میدارد.

در باب تدبیرات حقیقی که برای دفع خان طالش معمول داشته اید البته نفع هر دو دولت اقتضای آنرا نمیکند و همچنین با خوشنودی مطلع از اهتماماتی که شما در باب تعیین سرحد بموجب عهدنامه ترکمانچای مرعی داشته اید گشتیم و این امر بسلامت اتمام پذیرفت. در خاتمه تکرار خواهش مذکور فوق را بنمائیم که بروفق دوستی بجنرال مایور کنیاز دولقاروکی که برای بودن حضور شما تعیین شده است اعتبار نمایم و بتوسط او آنچه بر شما لازم باشد بفرمانبرمای گرجستان اعلام دارید که او مصلحت بین حقیقی شما است. باقی نواب والا را بمراحم حضرت باری عزاسمه سپرده در مقام التفات هستیم. بدستخط مخصوص امپراطور اعظم مرقوم است. نیکلای اول. ۱۳ اپریل ۱۸۲۹ در دارالسلطنه بطرسبورغ.

متعاقب ملاقاتی که از جانب میرزا مسعود فرستاده عباس میرزا از پاسکویچ بعمل آمد مقرر شد یکی از شاهزاده گان پایتخت روسیه رفته از این پیشامد رسماً عذر خواهی کند. در ماه ذی قعدة خسرو میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه ماموریت روسیه یافت و با اتفاق محمد خان امیر نظام و محمد حسین خان ایشک آقاسی باشی و میرزا بابای حکیم باشی و میرزا تقی خان فراهانی و جمعی دیگر از تبریز عازم آنکشور شدند. از تفلیس نیز میرزا مسعود و میرزا صالح شیرازی بدانها ملحق و روانه پترزبورگ شدند. سفر خسرو میرزا ده ماه و نیم بطول انبامید و در این مدت پذیرائی های دوستانه ای از طرف دربار نیکلا از او بعمل آمد و در مراجعت بایران روابط دولتین ایران و روس از نو مستحکم گردید.